



بشارات

بشارت از مادی "بشر" بوده که در لغت معانی مختلفی برای آن ذکر کرده‌اند؛ **جمال** و **زیبایی** ،

[۱] فراهیدی، خلیل بن احمد، ج ۶، ص ۲۶۰، کتب العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق، چاپ دوم.

خبر مسرت بخش

[۲] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ج ۱، ص ۱۲۵، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق، چاپ اول.

و برخی آن را با بشر و مباشر هم ماده دانسته و اصل واحدی برای آن در نظر گرفته‌اند که به معنای مطلق انبساط و گشاده روئی است؛ به **انسلن** نیز از این جهت بشر می‌گویند که گشاده روئی مخصوص به اوست.

[۳] مصطفوی، حسن، ج ۱، ص ۲۷۵، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتب، ۱۳۶۰ش.

فهرست مندرجات

۱ - معنا

۲ - مبشر در قرآن

۲.۱ - خداوند

۲.۲ - پیامبر اسلام

۳ - عوامل بهر مندی از بشارت خدا

۳.۱ - ایمان به خدا و رعایت تقوای الهی

۳.۲ - اجتناب از طاعت و اطاعت خدا

۳.۳ - بندگی خدا و انجام اعمال صالح

۳.۴ - جهاد در راه خدا و هجرت

۴ - تعلقات بشارت خداوند

۴.۱ - دنیوی

۴.۱.۱ - امداد الهی

۴.۱.۲ - اهداء فرزند

۴.۲ - اخروی

۵ - فهرست منابع

۶ - پانویس

۷ - منبع

معنا

و در اصطلاح قرآنی بشارت به معنای خبر دادن به چیز مسرت‌بخش می‌باشد. از این رو واژه بشارت درباره‌ی اخبار به خیر به کار می‌رود؛ اما این کلمه در برخی موارد با کمک قرینه، درباره‌ی خبر به شر نیز به کار می‌رود.

[۴] طریقی، فخرالدین، ج ۳، ص ۲۲۲، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش، چاپ سوم.

[۵] فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، ج ۲، ص ۳۵۷، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، چاپ سوم.

مبشر در قرآن

در بحث بشارت، **آیات** مختلفی وجود دارد که این آیات از لحاظ‌های گوناگونی تقسیم می‌شوند. از جمله بررسی آیات از لحاظ بشارت دهنده (مبشر) :

«يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ»
[\[۲۱\] توبه/سوره ۹، آیه ۲۱.](#)

«پروردگارشان آن‌ها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش)، و باغهایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن، نعمتهای جاودانه دارند.»

← پیامبر اسلام

«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا»
[\[۲۱\] احزاب/سوره ۳۳، آیه ۴۵.](#)

«ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذار کننده!»
و آیت دیگری که بشارت دهنده را خود قرآن،
[\[۲۸\] نحل/سوره ۱۶، آیه ۸۹.](#)

پیامبران الهی

[\[۲۹\] بقره/سوره ۲، آیه ۲۱۳.](#)

[\[۳۰\] انعام/سوره ۶، آیه ۴۸.](#)

، روح القدس،

[\[۳۱\] نحل/سوره ۱۶، آیه ۱۰۲.](#)

جبرئیل،

[\[۳۲\] بقره/سوره ۲، آیه ۹۷.](#)

یادها

[\[۳۳\] اعراف/سوره ۷، آیه ۵۷.](#)

و غیره معرفی می‌کند.

عوامل بهرهمندی از بشارت خدا

ذکر بشارت‌های خداوند در آیت قرآن برای این است که انسان به این بشارت‌ها طمع کرده و به سوی اعمالی که سبب این بشارت شده است، رغبت کند؛ از این رو در بسیاری از آیات بشارت عوامل این بشارت‌ها نیز ذکر شده است. برخی از این عوامل عبارتند از:

← ایمان به خدا و رعایت تقوای الهی

در یکی از آیات قرآن عامل بهرهمندی از بشارت خداوند، داشتن ایمان به همراه تقوای الهی بیان شده است:
«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ... الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ؛ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكُمْ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

[\[۱۴۱\] یونس/سوره ۱۰، آیه ۶۲.](#)

[\[۱۵۱\] یونس/سوره ۱۰، آیه ۶۳.](#)

[\[۱۶۱\] یونس/سوره ۱۰، آیه ۶۴.](#)

«آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا... همان‌ها که ایمان آوردند و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می‌کردند؛ در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور)ند؛ وعده‌های الهی تخلف ناپذیر است. این است آن رستگاری بزرگ»

خدای متعال در این آیت اولیای خود را بشارتی اجمالی داده و چنین معرفی کرده: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ»، پس صرف ایمان و تقوی انسان را لایق بشارت خداوند نمی‌کند؛ بلکه با آوردن کلمه "کانتوا" فهمانده که اولیای خدا قبل از ایمان آوردن، تقوایی مستمر داشته‌اند؛ معلوم است که ایمان ابتدایی مسبوق به تقوا نیست، آن هم تقوای مستمر و دائمی؛ بنابراین بهرهمندی از بشارت خداوند مرحله‌ی خاص و والایی از تقوای الهی را می‌خواهد که مسبوق به تقوای دائمی باشد.

[\[۱۷۱\] طباطبایی \(علامه\)، سیدمحمد حسین، ج ۱، ص ۸۸-۸۹، میزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، چپ پنجم.](#)

← اجتناب از طاغوت و اطاعت خدا

این دو خصلت برای کسانی که مورد بشارت خداوند قرار می‌گیرند، آورده شده و بیانگر علل بهرهمندی از بشارت‌های خداوند می‌باشد.

[\[۱۸۱\] مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۴۲۱، مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش، چپ اول](#)

[\[۱۹۱\] طبیب، سید عبدالحسین، ج ۱، ص ۲۹۷، طبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش، چپ دوم.](#)

کسانی که این صفت را داشته باشند جزء بندگان خاص خداوند بوده و مشمول بشارت خاص می‌شوند:

[\[۲۰۱\] صادقی تهرانی، محمد، ج ۱، ص ۴۶۰، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، مؤلف، ۱۴۱۹ق، چپ اول.](#)

«وَ الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَ أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ...»

[\[۲۱۱\] زمر/سوره ۳۹، آیه ۱۷.](#)

[\[۲۲۱\] زمر/سوره ۳۹، آیه ۱۸.](#)

«و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن آنهاست؛ پس بندگان مرا بشارت ده...»

بندگی کردن و **عمل صالح** انجام دادن انسان را در شمار بهر مندان از بشارت الهی قرار می‌دهد:

[۲۳] طیب، سید عبدالحسین، ج ۱، ص ۴۸۱، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش، چاپ دوم.
[۲۴] قرآنی، محسن، ج ۱، ص ۳۹۷، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش، چاپ یازدهم.

«ذَلِكَ الَّذِي يُبَيِّنُ اللَّهُ عِبَادَةَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...»
[۲۵] شوری/سوره ۴۲، آیه ۲۳.

«این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد...»

← جهاد در راه خدا و هجرت

دو صفت دیگری که انسان‌های **مؤمن** را از بشارت الهی بهر مند می‌کند، **هجرت** و **جهاد** در راه خداست:

[۲۶] نجفی خمینی، موجود، ج ۶، ص ۲۲۱، تفسیر آسن، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸ق، چاپ اول.

«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَلَجُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَهُمْ رَحْمَةً مِنْهُ...»
[۲۷] توبه/سوره ۹، آیه ۲۱.
[۲۸] توبه/سوره ۹، آیه ۲۲.

«آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با **اموال** و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آن‌ها پیروز و رستگارند. پرورنگارشان آن‌ها را به رحمتی از ناحیه خود، و... بشارت می‌دهد...»

در این آیه کسانی را که در راه خدا جهاد و هجرت می‌کنند، رستگار خوانده و از سیاق آیه برمی‌آید که **رحمت**، **رضوان** و جنتی که می‌شمارد، بیان همان رستگاری است که در عبارت «أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» نکر شده که در اینجا به‌طور تفصیل و با زبان بشارت و نوید بیان شده است.
[۲۹] طیب، سید عبدالحسین، ج ۹، ص ۲۰۶، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش، چاپ دوم.

تعلقات بشارت خداوند

آیاتی که از بشارت‌های خداوند سخن به میان آورده و بندگان خود را مشمول آن بشارت نموده، بر دو گونه می‌توان بیان کرد که بشارت الهی به آن تعلق گرفته است:

← دنیوی

← امداد الهی

امداد غیبی جزو نعمت‌های دنیوی شمرده شده که در برخی جنگ‌ها خداوند به مؤمنان عنایت کرده است:
«بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتِيَكُم مِّنْ قَوْمِهِمْ هَذَا يُبَدِّلُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَ مَا جَعَلَ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَ لِنَظْمَنِ قُلُوبِكُمْ بِهِ...»

[۳۰] العمران/سوره ۳، آیه ۱۲۵
[۳۱] العمران/سوره ۳، آیه ۱۲۶

«آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از **فرشتگان**، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد! ولی این‌ها را خداوند فقط بشارت، و برای اطمینان خاطر شما قرار داده...»
فرستادن **ملائیکه** و وعده کمک به **مؤمنان** توسط فرشتگان الهی، بشارتی است از ناحیه خداوند، جهت تسلی و اطمینان دل‌هایشان تا از زیادی سپاه دشمن و کمی عدد خود نهراسند.
[۳۲] طبرسی، فضل بن حسن، ج ۲، ص ۸۲۹، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش، چاپ سوم.

← اهداء فرزند

یکی دیگر از نعمت‌های دنیوی که از ارزش والایی برخوردار است، بشارت به فرزند بوده که به **حضرت ابراهیم (ع)** در سن پیری خداوند از بشارتی خبر می‌دهد که مربوط به ولادت فرزندش **حضرت اسحاق (ع)** است؛

[۳۳] طبرسی، فضل بن حسن، ج ۸، ص ۷۰۸، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش، چاپ سوم.

«وَ بَشِّرْ نَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ»
[۳۴] صافات/سوره ۳۷، آیه ۱۱۲.

«ما او را به اسحاق - پیمبری از شایستگان - بشارت دادیم!»
البته برخی این بشارت را متوجه **نبوت حضرت اسحاق** نیز می‌دانند؛ یعنی در آیهی شریفه به ابراهیم (ع) همزمان دو بشارت داده شده: بشارت به وجود پسر، و بشارت به نبوت آن

پسر که پیامبری از **صالحان** بود.

[۲۵] ابو الفتوح رازی، حسین بن علی، ج ۱۶، ص ۲۲۲، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، آستان قس رضوی، ۱۴۰۸ق. اینکه متعلق بشارت فرزند باشد، در آیهی دیگر نیز به اشاره شده است:

«فَبَشِّرْ نَاهُ بِعَلَامِ خَلِيمٍ»

[۲۶] *صافات/سور ۳۷، آیه ۱۰۱.*

«ما او (ابراهیم) را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم!»

← اخروی

۱. بهشت:

بهشت یکی از نعمت‌های اخروی است که در برخی آیات، خداوند بندگان را به آن بشارت داده است: «بَشِّرْهُمْ رِزْقَهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ»

[۲۷] *توبه/سور ۹، آیه ۲۱.*

«پروردگارش آن‌ها را به رحمتی از ناحیهی خود، و رضایت (خویش)، و باغ‌هایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن، نعمت‌های جاودانه دارند.» همچنین آیاتی در **قرآن** وجود دارد که سخن از بشارت‌های خداوند در روز **قیامت** می‌زند:

«وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ، ضَالِحَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ»

[۲۸] *عيس/سور ۸۰، آیه ۳۸.*

[۲۹] *عيس/سور ۸۰، آیه ۳۹.*

«چهره‌هایی در آن روز گشاده و نورانی است، خندان و مسرور است.»

خوشحال بودن مؤمنان که به آن بشارت داده شده‌اند، به دلیل جایگاه والایشان است؛ جایگاهی که خداوند به آن‌ها عنایت کرده و آنان می‌خواهند در آن وارد شوند.

[۴۰] *طباطبایی (علامه)، سیدمحمد حسین، ج ۲۰، ص ۲۱۰، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، چپ پنجم.*

در برخی آیات به هر دو بشارت دنیوی و اخروی باهم اشاره شده است:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْخَيْرَاتِ وَاللَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ لَأَسْوَأُ الَّذِي كَانُوا يَفْعَلُونَ»

[۴۱] *یونس/سور ۱۰، آیه ۶۳.*

[۴۲] *یونس/سور ۱۰، آیه ۶۴.*

«همان‌ها که ایمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می‌کردند، در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور) اند. وعده‌های الهی تخلف ناپذیر است! این است آن رستگاری بزرگ!»

بشارت در این آیه اگر انتشایی باشد (بشارت باد آنان را...)، به این معناست که این بشارت هم در دنیا برای آنان واقع می‌شود و هم در آخرت واقع خواهد شد؛ اما اگر خبری باشد و خواسته باشد خبر بدهد که خدای تعالی بزودی اولیای خود را در دنیا و آخرت بشارت می‌دهد؛ یعنی بشارت در دنیا و آخرت بعدها برای آن‌ها واقع می‌شود؛

[۴۳] *قرآن کریم.*

[۴۴] *طباطبایی (علامه)، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، چپ پنجم ج ۱، ص ۹۳.*

البته برخی معنای بشارت در آخرت را بهشت می‌دانند؛

[۴۵] *طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، ج ۲، ص ۱۱۹، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ش، چپ اول.*

چون در برابر مؤمنان، قرآن از تحریم این بشارت از مجرمین خبر داده است:

«يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى لِلْمُجْرِمِينَ وَ يَقُولُونَ جُزْءًا مَّحْجُورًا»

[۴۶] *فرقان/سور ۲۵، آیه ۲۲.*

«(آنها به آرزوی خود می‌رسند،) اما روزی که فرشتگان را می‌بینند، روز بشارت برای مجرمین نخواهد بود (بلکه روز مجازات و کیفر آنان است) ! و می‌گویند: ما را امان دهید، ما را معاف دارید! (اما سودی ندارد!)»

منظور از "یوم" روز قیامت است و آیه خبر می‌دهد که مژده‌ای برای مجرمین وجود ندارد و این خود نشان می‌دهد که بشارت در آخرت بر برخی **انسان‌ها** وجود دارد.

[۴۷] *ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ج ۱۴، ص ۲۱۰، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قس رضوی، ۱۴۰۸ق.*

فهرست منابع

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق، چپ دوم.
- (۳) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت، دار العلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق، چپ اول.
- (۴) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتب، ۱۳۶۰ش.
- (۵) طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش، چپ سوم.
- (۶) فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، چپ سوم.
- (۷) طباطبایی (علامه)، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، چپ پنجم.
- (۸) مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش، چپ اول.
- (۹) طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش، چپ دوم.
- (۱۰) صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، مؤلف، ۱۴۱۹ق، چپ اول.
- (۱۱) قرآنتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش، چپ یازدهم.
- (۱۲) نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸ق، چپ اول.
- (۱۳) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش، چپ سوم.
- (۱۴) ابو الفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قس رضوی، ۱۴۰۸ق.

۱. ↑ [فراهیدی، خلیل بن احمد، ج ۶، ص ۲۶۰، کتب العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق، چپ دوم.](#)
۲. ↑ [راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ج ۱، ص ۱۲۵، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق، چپ اول.](#)
۳. ↑ [مصطفوی، حسن، ج ۱، ص ۲۷۵، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتب، ۱۳۶۰ش.](#)
۴. ↑ [طریحی، فخرالدین، ج ۳، ص ۲۲۲، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش، چپ سوم.](#)
۵. ↑ [فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، ج ۲، ص ۳۵۷، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، چپ سوم.](#)
۶. ↑ [توبه/سور ۹، آیه ۲۱.](#)
۷. ↑ [أجزاب/سور ۳۳، آیه ۴۵.](#)
۸. ↑ [نحل/سور ۱۶، آیه ۸۹.](#)
۹. ↑ [بقره/سور ۲، آیه ۲۱۳.](#)
۱۰. ↑ [أنعام/سور ۶، آیه ۴۸.](#)
۱۱. ↑ [نحل/سور ۱۶، آیه ۱۰۲.](#)
۱۲. ↑ [بقره/سور ۲، آیه ۹۷.](#)
۱۳. ↑ [اعراف/سور ۷، آیه ۵۷.](#)
۱۴. ↑ [یونس/سور ۱۰، آیه ۶۲.](#)
۱۵. ↑ [یونس/سور ۱۰، آیه ۶۳.](#)
۱۶. ↑ [یونس/سور ۱۰، آیه ۶۴.](#)
۱۷. ↑ [طباطبایی \(علامه\)، سیدمحمد حسین، ج ۱۰، ص ۸۸-۸۹، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، چپ پنجم.](#)
۱۸. ↑ [مکارم شیرازی، ج ۱۹، ص ۴۲۱، مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش، چپ اول.](#)
۱۹. ↑ [طیب، سید عبدالحمین، ج ۱۱، ص ۲۹۷، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش، چپ دوم.](#)
۲۰. ↑ [صلاتی تهرانی، محمد، ج ۱، ص ۴۶۰، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، مؤلف، ۱۴۱۹ق، چپ اول.](#)
۲۱. ↑ [زمر/سور ۳۹، آیه ۱۷.](#)
۲۲. ↑ [زمر/سور ۳۹، آیه ۱۸.](#)
۲۳. ↑ [طیب، سید عبدالحمین، ج ۱۱، ص ۴۸۱، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش، چپ دوم.](#)
۲۴. ↑ [قرآنتی، محسن، ج ۱۰، ص ۳۹۷، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ش، چپ یازدهم.](#)
۲۵. ↑ [شوری/سور ۴۲، آیه ۲۳.](#)
۲۶. ↑ [نجفی خمینی، محمود، ج ۶، ص ۲۲۱، تفسیر آسان، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸ق، چپ اول.](#)
۲۷. ↑ [توبه/سور ۹، آیه ۲۱.](#)
۲۸. ↑ [توبه/سور ۹، آیه ۲۲.](#)
۲۹. ↑ [طیب، سید عبدالحمین، ج ۹، ص ۲۰۶، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش، چپ دوم.](#)
۳۰. ↑ [العمران/سور ۳، آیه ۱۲۵.](#)
۳۱. ↑ [العمران/سور ۳، آیه ۱۲۶.](#)
۳۲. ↑ [طبرسی، فضل بن حسن، ج ۲، ص ۸۲۹، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش، چپ سوم.](#)
۳۳. ↑ [طبرسی، فضل بن حسن، ج ۸، ص ۷۰۸، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش، چپ سوم.](#)
۳۴. ↑ [صافات/سور ۳۷، آیه ۱۱۲.](#)
۳۵. ↑ [ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ج ۱۶، ص ۲۲۲، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.](#)
۳۶. ↑ [صافات/سور ۳۷، آیه ۱۰۱.](#)
۳۷. ↑ [توبه/سور ۹، آیه ۲۱.](#)
۳۸. ↑ [عبس/سور ۸۰، آیه ۳۸.](#)
۳۹. ↑ [عبس/سور ۸۰، آیه ۳۹.](#)
۴۰. ↑ [طباطبایی \(علامه\)، سیدمحمد حسین، ج ۲، ص ۲۱۰، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، چپ پنجم.](#)
۴۱. ↑ [یونس/سور ۱۰، آیه ۶۳.](#)
۴۲. ↑ [یونس/سور ۱۰، آیه ۶۴.](#)
۴۳. ↑ [قرآن کریم.](#)
۴۴. ↑ [طباطبایی \(علامه\)، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، چپ پنجم، ج ۱، ص ۹۳.](#)
۴۵. ↑ [طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، ج ۲، ص ۱۱۹، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ش، چپ اول.](#)
۴۶. ↑ [فرقان/سور ۲۵، آیه ۲۲.](#)
۴۷. ↑ [ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ج ۱۴، ص ۲۱۰، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.](#)

